

خرید و فروش اسکناس (کتاب)

نویسنده خلاصه: سید علی حسینی نسب
نویسنده کتاب: احمدعلی یوسفی

چکیده

خرید و فروش اسکناس، کتابی در حوزه فقه اقتصاد، اثر احمدعلی یوسفی است که با هدف حل مشکل ربای قرضی در بانکداری اسلامی نوشته شده است. یوسفی در این اثر دلایل حرمت و جواز خرید و فروش اسکناس را در هفت فصل بررسی می‌کند. او اسکناس را مال عرفی دانسته و معتقد است معیار صحت بیع، عرف است، نه تعریف شرعی خاص.

وی برای بررسی حرمت خرید و فروش اسکناس، سه دیدگاه (عدم تحقق بیع عرفی، مراعات نشدن احکام صرف در معامله اسکناس، و حرمت خرید و فروش اسکناس به صورت نسبه) را بررسی کرده، برخی از آنها را همسو با دیدگاه خود می‌داند. او در ادامه نظریه جواز خرید و فروش اسکناس را نقد کرده، از دلایل آن پاسخ داده است.

یوسفی در بیان دیدگاه مختار خود، بیع اسکناس را تنها در صورتی صحیح می‌داند که ثمن و مثنی از نظر عرفی متفاوت و دارای مطلوبیت باشند. به نظر او، در مواردی که ثمن و مثنی تفاوتی نداشته باشند، چنین معامله‌ای جایز نیست؛ زیرا یا فاقد داعی عقلایی و یا مصداق حيله ربوی است. وی معتقد است، با توجه به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی، حيله‌های ربوی که با غرض مشروعیت حکم شارع منافات دارد، صحیح نیستند.

معرفی اجمالی

خرید و فروش اسکناس، تألیف احمدعلی یوسفی، استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده نظام‌های اسلامی، در حوزه فقه اقتصاد است. کتاب‌های ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، و بررسی فقهی جبران کاهش ارزش پول از دیگر آثار نویسنده در حوزه فقه اقتصادی به شمار می‌آید.

کتاب خرید و فروش اسکناس، با هدف بررسی راه حل فرار از ربا در ربای قرضی و در بانکداری اسلامی، بر اساس جایزدانستن خرید و فروش اسکناس نوشته شده است (ص ۱۲، و ص ۲۰-۲۱). این کتاب ۲۱۶ صفحه دارد و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برای نخستین بار آن را در سال ۱۳۸۹ ش منتشر کرده است.

ساختار کتاب

مباحث کتاب در هفت فصل سامان یافته است. فهرست مطالب و مقدمه کتاب در ابتدا و کتاب‌نامه و نمایه‌ها در پایان قرار دارد. نویسنده فصل اول کتاب را به کلیات اختصاص داده و در چهار گفتار اقسام موضوعات و روش‌شناسایی موضوعات، تحولات پول، ویژگی‌های اسکناس، و پول در عصر تشریع را بررسی کرده است (ص ۳۱-۴۸). به دلیل ارتباط خرید و فروش اسکناس با مسائل بیع، نویسنده در فصل دوم بیع را تعریف کرده، شرایط عقد، متعاقدان و عوضین و نیز انواع بیع را توضیح داده است (ص ۴۹-۸۷). مباحثی از ربای معاملی

و حيله‌های ربا در فصل سوم و چهارم آمده است (ص ۸۹-۱۱۶). نویسنده در فصل پنجم، ششم و هفتم که مهم‌ترین بخش‌های کتاب‌اند، دیدگاه موافقان و مخالفان بیع اسکناس را بررسی، سپس نظریه خود را تبیین می‌کند (ص ۱۱۷-۱۶۸).

مالیت اسکناس و حقیقت عرفی بیع نویسنده با توجه به وظایف پول و ویژگی‌های مال، اسکناس را از مصادیق قطعی مال برشمرد، آن را از پدیده‌های مستحدثه معرفی می‌کند (ص ۴۵-۴۸). به گفته مؤلف، همه فقیهان بیع را دارای حقیقت عرفی می‌دانند نه حقیقت شرعی؛ از این رو ملاک تشخیص بیع، عرف است و باید بررسی کرد که از منظر عرف، چه مبادله‌هایی مصادق بیع به‌شمار می‌آیند. بنابراین اگر فقیهی نوع خاصی از مبادله مال به مال را بیع بداند، ولی عرف آن را بیع تلقی نکند، جانب عرف مقدم می‌شود (ص ۷۲-۷۳). نویسنده در بحث بیع صرف (بیع نقدین) نیز اگرچه تقابض ثمن و مثنی در مجلس عقد را از شرایط صحت بیع دانسته است، اما به نظر او این شرط تنها مربوط به خرید و فروش درهم و دینار است و شامل اسکناس نمی‌شود (ص ۸۵-۸۶).

جواز حيله‌های ربا و ربای معاملی در معدودات یکی از جهات تأثیرگذار در مسئله فقهی خرید و فروش اسکناس، پاسخ به این سؤال است که آیا ربای معاملی در غیر مکمل و موزون نیز جریان دارد یا نه. نویسنده در فصل سوم پس از بررسی این مسئله، چنین نتیجه گرفته است که ربای معاملی تنها در مکمل و موزون جریان دارد. وی معتقد است، ملاک حرمت ربای معاملی روشن نیست و اسکناس در شمار اموال معدود است، نه مکمل و موزون. بر اساس روایات فراوان، ربای معاملی در معدودات تنها کراهت دارد و حرام نیست (ص ۹۱-۱۰۰).

یوسفی پس از بررسی چند روایت در باب حيله‌های ربا، اگرچه این حليه‌ها را فی‌الجمله جایز شمرده، اما مشکل اساسی را ارائه تعریفی صحیح از حيله می‌داند (ص ۱۰۵). او پس از بررسی معنای حيله در لغت و نصوص شرعی، و نیز بررسی کلمات فقیهان در این باب، حيله را انجام عمل یا عقدی دانسته که هدف آن تغییر حکم شرعی یک مورد از طریق تغییر عنوان شرعی آن باشد، به‌گونه‌ای که اگر این اقدام انجام نشود، حکم اصلی آن مورد همچنان باقی بماند. به نظر او، جایزدانستن حيله سه شرط دارد: ۱. حيله به‌خودی‌خود مباح باشد، ۲. هدف از آن امر مباحی باشد، ۳. حيله با غرض مشروعیت حکم شارع منافات نداشته باشد (ص ۱۱۴-۱۱۵).

بررسی دیدگاه مخالفان خرید و فروش اسکناس نویسنده در فصل پنجم، مخالفان خرید و فروش اسکناس را به سه گروه تقسیم کرده است:

گروه اول: تطابق نداشتن خرید و فروش اسکناس با بیع عرفی گروهی از فقیهان خرید و فروش اسکناس را عرفاً مصادق بیع نمی‌دانند. نویسنده عبارت‌هایی از محمدباقر صدر، ناصر مکارم شیرازی و مرتضی مطهری را در توضیح این استدلال ذکر کرده است. به نظر شهید صدر، در تمام مواردی که مال مثلی باشد -حتی اگر آن مال از قبیل معدودات باشد- معاوضه نسیه آن به زیاده جایز نیست و از مصادیق قرض

ربوی حرام به شمار می‌آید. یوسفی ضمن تأیید دیدگاه شهید صدر، استدلال‌های خود را به فصل‌های بعدی موکول می‌کند (ص ۱۱۸-۱۲۰).

مکارم شیرازی معتقد است، نسبت به خرید و فروش اسکناس قصد جدی وجود ندارد؛ زیرا در عرف معاملات، اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود نه مثنی. یوسفی با رد این استدلال، ارکان بیع در خرید و فروش اسکناس را موجود و قصد جدی نسبت به چنین معامله‌ای را ممکن می‌داند (ص ۱۲۰-۱۲۲). مرتضی مطهری نیز با این بیان که در عوضین همجنس، بیع محقق نمی‌شود، بیع اسکناس را غیرعرفی دانسته است. اما نویسندگان معتقد است، طبق روایات، بیع عوضین همجنس مکروه است نه حرام (ص ۱۲۲-۱۲۴).

گروه دوم: عدم جواز خرید و فروش اسکناس
گروه دیگری از فقها، اگرچه خرید و فروش نقدی اسکناس را عرفاً مصادق بیع دانسته‌اند، اما معتقدند، چنین معامله‌ای از نظر شرعی جایز نیست؛ چرا که خرید و فروش اسکناس از مصادیق بیع صرف است، در حالی که احکام بیع صرف در آن مراعات نمی‌شود. نویسندگان این دیدگاه را به برخی فقیهان شیعه و مشهور فقیهان اهل سنت نسبت داده است. درباره جریان احکام صرف در خرید و فروش اسکناس گفته شده، اسکناس به صورت مستقل و یا به این اعتبار که سند و حاکی از طلا و نقره است، همانند درهم و دینار، معیار تعیین ارزش کالا به شمار می‌آید و احکام صرف در آن جاری می‌شود.

یوسفی، استدلال این گروه را با دو اشکال مواجه می‌داند: ۱. روشن نیست که جریان احکام صرف تنها به این دلیل باشد که درهم و دینار معیاری برای ارزش کالاها هستند؛ ۲. اگرچه اسکناس در زمانی سند و حاکی از طلا و نقره بود، اما در زمان حاضر چنین نیست، بلکه مالی مستقل و از نظر مصادق یک پدیده مستحدثه است (ص ۱۲۵-۱۳۵).

گروه سوم: عدم جواز خرید و فروش اسکناس به صورت نسیه
بر اساس دیدگاه سوم، اگرچه بیع اسکناس مصادق بیع است، اما خرید و فروش آن به صورت نسیه، حرام است؛ چون از مصادیق حيله ربای قرضی است و نقض غرض شارع از تحریم ربا را به دنبال دارد. مؤلف دیدگاه سید روح‌الله موسوی خمینی و سید علی حسینی خامنه‌ای را در شمار دیدگاه سوم قرار داده است. یوسفی با تأیید این دیدگاه، معتقد است، با توجه به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی صحت این دیدگاه روشن می‌شود (ص ۱۳۵-۱۳۸).

ادله مخالفان خرید و فروش اسکناس و نقد آن
به گزارش نگارنده در فصل ششم، فقیهانی که بیع اسکناس را صحیح می‌دانند، با سه مقدمه به این نتیجه رسیده‌اند:

معامله اسکناس اعم از نقد و نسیه عرفاً مصادق بیع است؛
هر معامله‌ای که عرفاً مصادق بیع باشد، در صورت فقدان مانع شرعی (مانند غرر، ضرر و ربا)، مورد تأیید شرع است؛
معامله اسکناس (اعم از نقد و نسیه) مانع شرعی ندارد؛ بنابراین، خرید و فروش اسکناس مورد تأیید شارع است.

نویسنده گزاره دوم را بی‌هیچ تردیدی صحیح دانسته، گزاره اول و سوم را قابل نقد می‌داند. به گفته یوسفی، عرف و عقلا تنها در صورتی که ثمن و مئمن با هم متفاوت بوده، مطلوبیت آنها با هم فرق داشته باشد، اقدام به خرید و فروش می‌کنند. اما در معامله اسکناس که ثمن و مئمن تفاوتی ندارند، از نظر عرف و عقلا بیع واقع نمی‌شود. مؤلف گزاره سوم را هم نادرست خوانده، معتقد است، در خرید و فروش اسکناس که به صورت حيله‌ای شرعی به کار می‌رود، مانع شرعی وجود دارد (ص ۱۵۲-۱۵۳).

دیدگاه مختار: غیرمجاز بودن خرید و فروش اسکناس‌های مشابه نویسنده در فصل پایانی کتاب، موضوع را از جهت وجود یا فقدان تفاوت عرفی میان ثمن و مئمن بررسی کرده، حکم هر یک را بیان نموده است. به نظر وی، اسکناس‌هایی که خرید و فروش می‌شوند، اگر از نظر عرفی تفاوت داشته باشند، به گونه‌ای که تفاوت آنها، اختلاف در ارزش یا مطلوبیت آنها را به دنبال داشته باشد، در این صورت، ارکان عقد بیع کامل است و چنین معامله‌ای چه به صورت نقد و چه به صورت نسیه، از نظر عرفی صحیح و فاقد مانع شرعی به شمار می‌آید. اما اگر اسکناس‌های ثمن و مئمن، تفاوت عرفی و اختلاف در مطلوبیت نداشته باشند، در این صورت، عرف و عقلا به بیع نقدی آنها اقدام نمی‌کند؛ چرا که انگیزه‌ای برای چنین معامله‌ای وجود ندارد. اما اگر این معامله به صورت نسیه انجام شود، در این صورت هرچند چنین عملی در ظاهر بیع است، ولی در نظر عرف، این معامله همان قرض ربوی حرام تلقی شده، نوعی حيله ربوی به شمار می‌آید که شرعاً ممنوع است (ص ۱۶۸).

